

سپهر دانش: به انگیزه زادروز امام محمد باقر (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



ولادت

امام باقر (علیه السلام)، در سال 57 هجری در شهر مدینه، دیده به جهان گشود. (1) دربارہ روز ولادت ایشان بین تاریخ نویسان اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را اول ماه رجب دانسته اند، (2) ولی مشهور تاریخ نویسان، تاریخ ولادت ایشان را سوم ماه صفر می دانند. (3)

نام گذاری امام توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)

امام سجاد (علیه السلام)، این فرزند خجسته فال را به پاسداشت نام و نیای بزرگوار خویش، حضرت ختمی مرتبت، «محمد» نامید. این نام را سال ها پیش، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بر او نهاده بود. در این باره محمد بن مسلم می گوید:

«در کنار جابر بن عبدالله انصاری (از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نشسته بودیم که امام سجاد (علیه السلام) همراه فرزند خردسال خود وارد مجلس شد. امام سجاد (علیه السلام) به فرزندش فرمود: عمویت را

ببوس. کودک به سوی جابر آمد و پیشانی او را بوسید. جابر که در آن روزگار بینایی خود را از دست داده و پیر و فرتوت شده بود، پرسید: این کودک کیست؟ امام فرمود: او فرزندم محمد است. جابر او را در آغوش کشید و گفت: ای محمد، رسول خدا به تو سلام رسانید. حاضران (با تعجب) گفتند: از کجا این سخن را می‌گویی؟ جابر گفت: در خانه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بودم که او مشغول سرگرم کردن حسین (علیه السلام) بود. در این هنگام، به من رو کرد و فرمود: ای جابر، فرزندم حسین (علیه السلام) دارای فرزندی خواهد شد که نامش علی (علیه السلام) است... و علی (علیه السلام) نیز صاحب فرزندی می‌شود که نامش محمد (علیه السلام) است. اگر او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان و بدان که پس از دیدار او به پایان زندگی نزدیک شده‌ای». محمد بن مسلم می‌گوید: «سخن جابر تحقق یافت و پس از مدتی کوتاه از دنیا رفت. (4) او تا پیش از این دیدار همواره می‌گفت: ای باقر، کجایی! تا روزی که آن حضرت را ملاقات نمود...» (5)

سند و مضمون این روایت، به اندازه‌ای ممتاز و قوی است که بین شیعه و سنی مشترک است و نویسندگان بزرگی از اهل سنت مانند ابن جوزی، ابن صباغ مالکی و ابن قتیبه دینوری آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند. (6)

نگاهی به کنیه و القاب امام

تنها کنیه‌ای که برای امام باقر (علیه السلام) یاد کرده‌اند، «ابوجعفر» است و لقب‌های مشهور ایشان عبارت‌اند از:

1. باقر العلم

2. شاکر

3. هادی (7)

لقب‌های دیگری از جمله امین، شبیه، (8) صابر و شاهد (9) نیز برای ایشان برشمرده‌اند. در بین این لقب‌ها، «باقر» از همگی مشهورتر است و علت تعیین آن را ویژگی‌های حضرت برشمرده‌اند که برجسته‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

1. او شکافنده همه مشکلات علمی و گشاینده پیچیدگی‌های آن بود. (10)

2. حضرت، معارف و دانش گسترده‌ای در اختیار داشت. (11)

3. در اثر سجده‌های بسیار در پیشانی‌اش حالت شکافتگی و فراخی به وجود آمده بود. (12)

مادر امام

ویژگی ممتاز و برجسته امام باقر (علیه السلام) در بین دیگر امامان آن است که او، هم از سوی پدر و هم از سوی مادر، به شجره پاک رسالت و امامت منتسب است. پدر او، فرزند برومند امام حسین (علیه السلام) و مادرش ام عبدالله، فاطمه (علیها السلام)، دختر بزرگوار امام حسن (علیه السلام) است. (13) که در پاک سیرتی و نیک سرشتی سرآمد زنان به شمار می رفت. امام صادق (علیه السلام) در مورد ایشان فرمود: «او بانویی درستکار بود که در فرزندان امام حسن (علیه السلام) زنی به درجه کمالش نمی رسید». (14)

امام باقر (علیه السلام) نیز در توصیف مادر بزرگوار خویش می فرماید:

«روزی مادرم کنار دیواری نشسته بود. ناگهان دیوار فرو ریخت، ولی او دست بر سینه آن نهاد و گفت به حق مصطفی سوگند، اجازه فرو ریختن نداری. دیوار بر جای خود فروماند، مادرم به کناری رفت و سپس دیوار فرو ریخت». (15)

خاستگاه تربیتی

ناگفته پیداست که تربیت و رشد در چنین فضایی، که از هر دو طرف به سلاله پاک امامت می رسد، در چه سطحی از کمال و برتری خواهد بود. امام در اوان کودکی خویش، افزون بر تربیت در دامن گهربار پدر، از رشد و تعالی در محضر جد بزرگوارش، حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) نیز بهره مند شد و تا سه یا پنج سالگی در محضر پرورش و تفقد ایشان بود. (16)

او از برترین نوع تربیت اسلامی در حضور پدر، مادر، جد، عموها و دیگر افراد خاندان امامت برخوردار شد و در فضایی آکنده از همه گونه زیبایی های معنوی این خاندان رشد کرد.

کودکی آزاده

سبزترین عروج انسان در سرخ ترین روز آفرینش، پیش روست و کاروان حسینی (علیه السلام) به سوی منزلگاه «طفّ» در حال حرکت است. عقربه های زمان، دهم محرم سال 61 هجری را نشان می دهند و قلم تقدیر، سرخ ترین رنگ را در پرده «کربلا» نقش می کند و نگارینه ای جاوید از بزرگ ترین حماسه انسان بر جای می گذارد. شاید سهمگین ترین رویداد زندگانی امام باقر (علیه السلام) پیش از امامت، روزی بود که سه سال بیشتر نداشت و پژواک غمگین، ولی استوار «اللهم تقبل منّا قليل القربان» پرده گوش تاریخ را لرزاند. فرساینده ترین و دشوارترین ساعت ها بر امام سجاد (علیه السلام)، حضرت زینب (علیها السلام) و زنان و کودکان همراه می گذرد. اشک

مجالشان نمی دهد، ولی صبر و استواری شان خبر از پیروزی ای بزرگ دارد. در این میان، امام باقر (علیه السلام) نیز میان کودکان دیگر، چشم برستم روزگار می گشاید و غم ایام را بر خود هموار می سازد. او شاهد بزرگ ترین روز تاریخ است. او نیز از شب عاشورا چشم بر هم ننهاد و به لبیک عاشقان گوش فرا داد و پرواز تک تک آنان را دید و در نخستین سال های زندگی خود، والاترین درس هستی را درک کرد.

امام باقر (علیه السلام) به همراه زنان و کودکان دربند، کربلا و خاطره اش را وا می گذارد و راه شهر بی وفایی ها، «کوفه»، را در پیش می گیرد.

آن گاه که کلام آتشین پدر بزرگوارش و زینب (علیها السلام)، نفس را در سینه ها زندانی کرد و چشم ها را به بهت گرایاند، امام باقر (علیه السلام) به سخنان ایشان گوش فرا داد (17) و درسی دیگر در استقامت و پای مردی در دفاع از حقانیت آموخت تا آن روز که کاروان به شهر شام رسید و به کاخ یزید خوانده شد.

یزید، رو به امام سجاد (علیه السلام) کرد و گفت: «ای علی! اوضاع را چگونه می بینی؟» امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «آنچه را که پروردگار بزرگ و توانا پیش از آن که آسمان ها و زمین را بیافریند، مقدّر کرده بود». یزید از این پاسخ برآشفته و واژه زشتی بر زبان راند. سپس با اطرافیان خود مشورت کرد که با امام چه کند و سپس به کشتن امام سجاد (علیه السلام) رأی داد.

فرزند خردسال او امام باقر (علیه السلام) که تیز بینانه رخدادها را دنبال می کرد، از جایش برخاست و پس از سپاس و ستایش خداوندی، لب به سخن گشود و با جمله ای کوتاه، توفانی از اعتراض به پا کرد. او فرمود: «مشاوران تو بر خلاف مشاوران فرعون رأی دادند؛ زیرا آنها در پاسخ فرعون در مورد موسی (علیه السلام) و برادرش هارون گفتند: **أَرْجِهْ وَ أَخَاهُ وَ أَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ**؛ به او و برادرش مهلت بده و فرستادگانی را به شهرها رهسپارنما؛ ولی مشاوران تو دستور به قتل ما دادند که آن هم بدون دلیل نیست. « (اعراف / 111) یزید که از سخنان این کودک بسیار شگفت زده شده بود، دلیل آن را جویا شد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «آنها از زنان نجیب و فهمیده زاده شده بودند، ولی مشاوران تو زادگان زنان ناپاک هستند و پیامبران و فرزندانشان را جز ناپاکان نمی کشند».

یزید از پاسخ اندیشمندانه کودکی از خاندان وحی سر افکنده شد (18) و سخن افشاگرانه این فرزند خردسال موجب شد تیغ ستم از سر پدر بزرگوار او برداشته شود.

همسر و فرزندان امام

در کتاب های تاریخی، دو همسر و دو کنیز برای حضرت ذکر کرده اند:

1. ام فروة: او دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بود. پدرش از دوستان امامان معصوم (علیهم السلام) و دودمان پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) بود. امام رضا (علیه السلام) در مورد او فرموده است: «او به ولایت و امامت معتقد بود». (19)

2. امّ حکیم، دختر اُسید بن مغیره ثقفی.

تاریخ نگاران شمار فرزندان امام را هفت تن بر شمرده اند؛ (پنج پسر و دو دختر) که عبارت اند از:

1. جعفر بن محمد صادق (علیه السلام)؛
 2. عبدالله بن محمد: او برادر تنی امام صادق (علیه السلام) و مادرشان «ام فروه» بود (20) که انسانی بسیار ارجمند و پارسا بود و به فضل و صلاح شهرت داشت. (21) روایت است که در دست عده ای از بنی امیه گرفتار شد و او را مسموم کردند و به شهادت رساندند؛
 3. ابراهیم بن محمد؛
 4. عبیدالله بن محمد؛ مادر این دو نیز «ام حکیم» است.
 5. علی بن محمد؛
 6. زینب بنت محمد؛
 7. ام سلمة.
- این سه فرزند نیز مادرشان «ام ولد» (کنیز) بوده است. (22)

امامت حضرت

با شهادت امام زین العابدین (علیه السلام)، حضرت باقر (علیه السلام) به امامت رسید که تاریخ آن را سال 95 هجری یادآور شده اند. (23) امام باقر (علیه السلام) رهبری شیعه را در حالی به عهده گرفت که 37 سال از عمر شریفشان گذشته (24) و جامعه اسلامی، همچنان تحت سیطره امویان بود.

دسته بندی نصوص امامت

نصوصی که بر امامت حضرت باقر العلوم (علیه السلام) در دست است به سه دسته تقسیم می شود:

1. دسته اول: روایات بسیاری در مورد امامت اهل بیت اطهار (علیهم السلام) است که بیشتر این روایات از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) وارد شده است و در آن از تمامی امامان شیعه نام برده شده و امامت آنان را به اثبات رسانیده است. برای نمونه ابن عباس روایت می کند:

«روزی مردی یهودی درباره امامان پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) از ایشان پرسید: جانشینان شما کیستند؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) پاسخ داد: جانشین من علی (علیه السلام) فرزند ابوطالب و پس از او حسن (علیه السلام) و بعد حسین (علیه السلام) و در پی آن نه امام از فرزندان حسین (علیه السلام) خواهند بود. آن گاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نام یکایک آنان را بر زبان جاری کرد». (25)

همچنین در حدیث معروفی به نام «حدیث لوح» که آن را جبرئیل بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نازل کرد، نام تمامی امامان پس از ایشان آمده است. پیامبر آن را نزد فاطمه (علیها السلام) و علی (علیه السلام) به امانت

گذاشت که هر امام آن را به دیگری بسپارد و بسیاری از بزرگان آن را روایت کرده اند. (26)

2. دسته دوم: احادیث بسیاری درباره امام باقر (علیه السلام) است و برترین آنها حدیث جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است و همان گونه که گفته شد، اهل سنت نیز این حدیث را روایت کرده اند. (27) در روایت دیگری «زهري» می گوید:

«نزد علی بن الحسین (علیه السلام) رفتم. او در بستر بیماری بود و با همان بیماری از دنیا رفت. . . . از او پرسیدم: امام پس از شما کیست؟ فرمود: این فرزندم - و اشاره به فرزندش محمد (علیه السلام) کرد - او جانشین و میراث دار من است. . . سپس او را برای کاری به بیرون فرستاد. پرسیدم: ای فرزند رسول خدا، آیا فرزند بزرگ خود را جانشین خویش نمی سازید؟ فرمود: امامت به بزرگی و کوچکی نیست. پیامبر (صلی الله علیه وآله) ما را این گونه سفارش کرده و ما آن را در «لوح» و «صحیفه» یافته ایم. گفتم: رسول خدا چند نفر را پس از خویش به جانشینی خود در امت برگزیده است؟ فرمود: دوازده نفر که نام همگی آنها و نام پدران و مادران شان در صحیفه و لوح آمده است که هفت نفر آنها از فرزندان (پسر) محمد (علیه السلام) هستند و آخرین شان مهدی (عج) است». (28)

3. دسته سوم: روایت هایی است که خود امام باقر (علیه السلام) در مورد امامت خویش بیان کرده است. از آن جمله؛ امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«هنگامی که لحظه مرگ (پدرم) علی بن الحسین (علیه السلام) فرا رسید، صندوقی به من داد و فرمود: ای محمد، این صندوق را ببر. چهار نفر آن صندوقچه را بردند. وقتی از دنیا رفت برادرانش مدعی شدند که از آنچه در آن صندوق بوده بهره ما را بده. امام باقر (علیه السلام) فرمود: به خدا در آن بهره ای برای شما نبود؛ زیرا اگر بود آن را به من نمی داد. در آن سلاح و نوشته های رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود». (29) امام باقر (علیه السلام) در روایت دیگری فرمود: «پدرم به من فرمود: وقتی من از دنیا رفتم کسی غیر از تو غسل مرا بر عهده نگیرد؛ زیرا امام را غیر از امام نمی تواند غسل دهد و بدان که برادرت عبدالله مردم را به سوی خود (به انگیزه رهبری) فرا می خواند، ولی تو او را به حال خود واگذار که عمر او کوتاه است. وقتی پدرم از دنیا رفت، همان گونه که فرموده بود بدنش را غسل دادم و عبدالله نیز ادعای امامت کرد، ولی دیری نپایید که از دنیا رفت...». (30)

پی نوشت ها :

- 1- ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، بیروت، دارالمعرفه، 1399 ه. ق، ص 259؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق، چاپ دوم، ج 46، ص 212؛ ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامة، نجف، منشورات المطبعة الحیدریه، 1369 ه. ق، ص 94.
- 2- بحارالانوار، ج 46، ص 212؛ دلائل الامامة، ص 94.
- 3- ابی الحسن بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، علی بن حسین زوارئی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ج 2، ص 318؛ علی بن محمد بن احمد المالکی، الفصول المهمة فی معرفة الائمة، قم، مؤسسه دارالحديث الثقافیة، 1422 ق، چاپ اول، ج 2، ص 879.
- 4- بحارالانوار، ج 46، ص 227؛ کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج 2، ص 321.
- 5 - احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1977 م، چاپ

سوم، ج 2، ص 290.

- 6 - سبط ابن الجوزی، تذکرة الخواص، تهران، مكتبة نينوى الحديثه، بی تا، ص 337.
- 7- بحارالانوار، ج 46، ص 216؛ الفصول المهمة، ج 2، ص 880؛ كشف الغمة، ج 2، ص 318.
- 8 - به دليل شباهت زيادی که به رسول خدا (صلى الله عليه وآله) داشتند. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، انتشارات ذوی القربی 1421 هـ. ق، ج 4، ص 227.
- 9- الفصول المهمة، ج 2، ص 881، پا نوشت.
- 10- همان، ص 881؛ بحارالانوار، ج 46، ص 220.
- 11- كشف الغمة، ج 2، ص 318؛ بحارالانوار، ج 46، ص 221.
- 12- تذکرة الخواص، ص 336.
- 13- اعلام الوری، ص 259، بحارالانوار، ج 46، ص 212، ولی برخی وی را دختر حسن بن حسن (عليه السلام) (حسن مثنی) خوانده اند. تذکرة الخواص، ص 336.
- 14- شيخ عباس قمی، منتهی الآمال، قم، انتشارات هجرت، 1373 ش، چاپ هشتم، ج 2، ص 173؛ ابوالحسن علی مسعودی، اثبات الوصیة، محمد جواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، 1343 ش، ص 331.
- 15- بحارالانوار، ج 46، ص 217؛ اثبات الوصیة، ص 331.
- 16- المجمع العالمی لأهل البيت، اعلام الهدایة، قم، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لأهل البيت، 1422ق، چاپ اول، ج 7، ص 45.
- 17- الاحتجاج، ج 2، ص 117؛ بحارالانوار، ج 45، ص 112.
- 18- شيخ عباس قمی، نفس المهموم، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، 1368 هـ. ق، ص 276.
- 19- بحارالانوار، ج 46، ص 366.
- 20- الفصول المهمة، ج 2، ص 905.
- 21- محمد جوهری، المفید من معجم رجال الحديث، قم، مكتبة المحلاتی، 1417 ق، چاپ اول، ص 347.
- 22- مناقب آل ابی طالب، ج 4، ص 228؛ الارشاد، ج 2، ص 250؛ اعلام الوری، ص 265.
- 23- الارشاد، ج 2، ص 201.
- 24- اعلام الوری، ص 259.
- 25- سليمان بن ابراهيم القندوزی الحنفی، ينبیع المودة، نجف، منشورات المكتبة الحيدرية، 1384 هـ. ق، چاپ هفتم، ص 444.
- 26- نک: الارشاد، ج 2، صص 203 - 229؛ اعلام الوری، ص 261.
- 27- نک: تاريخ يعقوبی، ج 2، ص 289، الفصول المهمة، ج 2، ص 882.
- 28- بحارالانوار، ج 46، ص 232.
- 29- محمد بن يعقوب کلینی، اصول کافی، محمد باقر کمره ای، قم، انتشارات اسوه، 1372 هـ. ش، چاپ دوم، ج 2، ص 453. آن گونه که از روایات اسلامی بر می آید. سلاح پیامبر (صلى الله عليه وآله) نشانه امامت بوده است در روایتی از خود امام باقر (عليه السلام) آمده است: همانا مَثَل سلاح در میان ما چون تابوت در بنی اسرائیل است. هر جا تابوت باشد سلطنت حقه است و در میان ما هم هر جا سلاح باشد علم امامت هم هست. اصول کافی، ج 2، ص 232.

امام سجاد (علیه السلام)، این فرزند خجسته فال را به پاسداشت نام و نیای بزرگوار خویش، حضرت ختمی مرتبت، «محمّد» نامید. این نام را سال ها پیش، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بر او نهاده بود. شاید سهمگین ترین رویداد زندگانی امام باقر (علیه السلام) پیش از امامت، روزی بود که سه سال بیشتر نداشت و پژواک غمگین، ولی استوار «اللهم تقبّل منّا قليل القربان» پرده گوش تاریخ را لرزاند.